

دکتر منوچهر آگاه رئیس سابق انجمن مسلمانان - دانشگاه کبیر بیج

برای يك آینده بهتر

مباحثی که فعلا درباره نسل جوان و آینده آن صورت میگیرد لازم و مفید است برای آنکه ما بتوانیم مشکلات خود را دریابیم و برای رفع آنها کوشش کنیم لکن نباید یاد آوری این مشکلات دلیل بر بدبینی و یأس نسبت به جوانان و آینده باشد. همیشه و در بین همه ملل این نوع مشکلات وجود داشته و سعی و همت دائمی اصلاح طلبان در بحث و رفع گرفتار بهای اجتماعی بوده است، بدون این فعالیتهای دائمی زندگی عاری از هدف و ایدآل بوده و اجتماع حالت رکود و انجماد خواهد گرفت. در حقیقت هر چه بیشتر در ماهیت ایرانیان عادی مطالعه شود هوش و استعداد سرشار آنان واضح و حسّ خوشبینی و امید به آینده ملت محکمتر و مؤیدتر خواهد بود.

پس بهتر است فعلا بیشتر درباره نواقص موجود فکر و مطالعه کنیم،

شاید زودتر موفق شویم که خارهای راه ترقی را از پیش پای خود برداریم.

هدف ما باید این باشد که بینیم در شرایط ایران چگونه می توان

مسیر فرهنگی کشور را طوری راهنمایی کرد تا جوانان ما صاحب خصایل ملی شوند که حداکثر استفاده از منابع خدادادی شده و مملکت با نهایت سرعت ترقی نموده و زندگی ملت در جاده رفاه و سعادت پیشرفت نماید.

خصایلی که باید مورد توجه قرار گیرد بر سه نوع است:

(۱) خصایلی که ارثی و ذاتی است (۲) خصایلی که نتیجه تغییرات طویل‌المدت اجتماع است. (۳) خصایلی که زاده شرایط و مقتضیات زمان حاضر است. واضح است که گروه اولی کمتر از دومی، و دومی کمتر از سومی، قابل تغییر است، ولی - تا آنجا که می‌شود شرایط را تغییر داد - لازم است مطالعه کنیم که چگونه و چه نوع خصایلی باید تشویق شود که موجب ترقی کشور و خوشبختی ملت باشد.



شک نیست که قسمتی از اخلاق و رفتار جوانان فطری است. با آنکه این قسمت ظاهراً خارج از موضوع بنظر می‌رسد ولی در حقیقت تا اندازه‌ای قابل کنترل است - مثلاً اگر والدین جسم‌آور و روحاً سالم باشند طبیعتاً احتمال نشاط و سلامتی در فرزندانشان نیز بیشتر است. اگر والدین تجانس روحی و اخلاقی داشته باشند محیط خوشبخت تری وجود خواهد داشت که در اخلاق فردی و اجتماعی اولاد نیز اثر مفید خواهد داشت. یا آنطور که اطباء می‌گویند - چنانچه والدین با هم قرابت و خویشی نزدیک نداشته باشند بطور کلی اطفال بهتری بوجود خواهد آمد. همین‌طور اگر سطح بهداشت و تغذیه کشور رو به بهبودی گذارد اطفال سالم‌تر و خوشبخت‌تر خواهند بود. این قبیل مسائل خارج از محیط عمل نیست و هم دولت و هم مردم می‌توانند اقداماتی کنند که

نسلهای آینده سالمتر و فعالتر از نسل فعلی باشند .



فسمتی دیگر از خصایلی که در ما وجود دارد نتیجه فعل و انفعالات اجتماعی است که در طی زمان رخ داده و ما بطور مشهود یا غیر مشهودی در تحت تأثیر آنها قرار داریم . چنانچه بتوانیم بی طرفانه این خصایل را مورد بحث قرار دهیم خواهیم دانست که در کدام رشته باید متوجه اقدامات اصلاحی باشیم .

قبل از هر چیز باید روح یأس و بدبینی را از بین ملت و نسل آینده ریشه کن کنیم . باید بدانیم که ترقیات اجتماعی تدریجی است و عقب بودن اجتماع مانسبت بسیار ملل نشان میدهد که چه وظیفه خطیری بعهده داریم و چقدر باید جلوروییم . باید متوجه باشیم که اگر هر يك در رشته کار خود از عهده داران قبلی بهتر باشیم همین فعالیت و نتیجه مثبت بهتر از نشستن و خمیازه کشیدن و منفی بافی و یا اجتناب از اجتماع است . برای پیشرفت و خوشبختی هیچ مرضی بدتر از یأس و ناامیدی نیست ، پس بهتر است با شدت و حدت در روح خود و نزدیکان و دوستان آن را بکشیم و روح خوشبینی را جای نشین آن کنیم ایرانی روحاً کنجکا و است • البته این کنجکاوی محسناتی دارد و هوش سرشار ملت را تحریک کرده و بیشتر از آن استفاده میشود • ولی سیستم تربیتی ما باید طوری باشد که با حفظ این حس کنجکاوی - و شور و علاقه‌ای که آن با خود می‌آورد - حد و حصر آن را نیز بما بیاموزد ، و بدانیم که در چه موردی کنجکاوی نافع و در کجا ناپسند است •

مطلبی که بارها گفته شده و معهذاتکرار آن مفید بنظر میرسد آن

است که مار و حافر دی بار آورده شد. مایم. تک تک خوب و فعالیم ولی مشتری کاً همکاری نداریم و یکدیگر را با شک و تردید و سوء ظن نگاه میکنیم . این قسمت را باید یکی از پایه های اصول تعلیم و تربیتی قرارداد : باید بما تلقین و فهمانده شود که نفع دیگران لزوماً ضررمانیست ، و گاهی ممکن است فرداً ضرر کنیم ولی نفع مشترک بیشتری عایدمان شود، و بعلاوه در این عصر و دوره خیلی از امور را فقط مشتری کاً و متحداً میتوانیم انجام دهیم و عدم همکاری موجب ضرر فردی و جمعی همه ماست .

در بین سایر خصایلی که باید در ما تشویق شود حسن انضباط شخصی ؛ مسئولیت و وظیفه شناسی ؛ و احترام بحکومت قانون است . در هر قسمت از زندگانی روزانه ما اینطور باز آورده شده ایم که در فکر نفع شخصی خود باشیم و بس . شوفر تا کسی حاضر است با جان مردم بازی کند بلکه عصر دو تومان بیشتر عایدش شود؛ فروشنده در فکر این است که چطور گران بفروشد و کم بدهد ؛ کارمندان اداره مظهر اشکال تراشی و دور سر گردانیدن مراجعین است . در هر مرحله ای . میخواهیم از سایر همقطاران «زرنگتر» باشیم و بفرض یکی هم وظیفه شناس بود و بمسئولیتش عمل کرد میگوئیم «جوان است» ، «ابی تجربه است» «ساده است» ، «اید آبیست است» ، «هنوز نمیداند که اینجا ایران است و وظیفه و قانون معنی ندارد ؛»

محیط ما بما میگوید که ما حالت سر باز در حال جنگ را داریم او . دیگر فکر نمیکنند که این بیچاره ای که مقابل من است چه تقصیری دارد که او را بکشم - بلکه منطقتش این است که اگر من او را نکشم او مرا میکشد ، پس چه بهتر که پیشدستی کنم ! ماهم گمان میکنیم که اگر نجاییم

دیگران مال ما را چپاول خواهند کرد ، اگر ظلم نکنیم سایرین بحقوق ما تعدی خواهند نمود ، و اگر کلاه سر دیگران نگذاریم آنها ما را گول خواهند زد! دیگر در فکر این نیستیم که چنین شرایطی الی الابد نمیتواند و نباید دوام یابد ؛ و اگر خوبست که تغییر یابد بهتر است اصلاحات را از خود مان شروع کنیم و اگر هر يك فكر مان اینطور باشد انوقت محیط

حتماً عوض خواهد شد .

از دیگر خصایلی که باید تشویق شود انصاف و ارفاق و عدم تبعیض است . در مالکی مثل ایران طبقه تحصیل کرده و روشنفکر محدود است و قدرت دولت بسیار زیاد . بنا بر این حمایت دولت ارزش مادی و معنوی فوق العاده دارد و احتمال آن دارد که آنها که با اصطلاح باجریان شنا کنند بسیار منتفع شوند ؛ و شنا کران مخالف جریان بشدت تنبیه کردند . خطری که باید از آن اجتناب شود آن است که چنین وضعی پایه اخلاقی اجوانان راست و متزلزل خواهد نمود : ارزش پاکی و ایمان و صراحت را کم خواهد نمود ، تملق و چاپلوسی و فرصت طلبی را قسمتی از اخلاق ما خواهد نمود ؛ و بالاخره از مزایائی که زاده مکر اسی حقیقی و آزادی فکر و بیان و مباحثه است محروم خواهیم ماند بنا بر این وظیفه دولت و صاحبان قدرت است که همواره با حتمال چنین خطری واقف باشند و سعی بسیار مبذول دارند تا با تأیید دمکراسی و بیطرفی و ارفاق و عدم تبعیض پایه های ایمان و اخلاق نسل جوان مستحکم شوند .

يك مستشرق مشهور يك وقت گفته بود که اگر ایرانیها یکصدم آنچه میگویند عمل میکردند آنوقت ایران رشك برین میشد . نه تنها ما باید

کمتر داد سخن دهیم و بیشتر عمل کنیم ، بلکه نوع تفکر ما نیز باید تغییر یابد . ماهنوز عادت داریم هر يك خود را عالم در جمیع امور بدانیم و در رشته هائی که هیچ اطلاع علمی نداریم اظهار نظر محکم و قطعی نمائیم باید به نسل جوان تعلیم داده شود که فکر و عملش را بر مبنای تحقیق و مطالعه و شاهد و دلیل قرار دهد .

حیلی از ما در ایران دست بسپاه و سفید نمی زنیم و کار کردن را کسر و ننگ میدانیم ولی در امریکا و اروپا حاضریم در دستورانها طرف بشوئیم در خیابانها روزنامه بفروشیم ، در دهات میوه چینی کنیم ، و در زمستان برف بروئیم: چرا؟ برای اینکه در آن ممالک کار کردن ارج و احترام دارد ، ولی در محیط ما کار کردن را دلیل فقر و ناتوانی و ضرورت مادی میدانند . ما شرط اشرافیت را در این میدانیم که کار نکنیم و نشان دهیم که محتاج نیستیم . باید تدریجاً طرز فکر ما عوض شود و ارزش معیار های اجتماعی ما تغییر یابد و از تعیین و بیکاری بمیزان کار و هوش و استعداد شخصی بر گردد . باید به نسل جوان آموخته شود که کار کردن نه تنها برای رفاه حال و خوشبختی خود ما لازم است بلکه همچنین ما و وظیفه ای نسبت با اجتماع و آسانی داریم که باید از ثمره کار ما بهره مند شوند .

سیستم تربیتی ما در منزل و مدرسه باید کم کم تعدیل شود . بماتلقین میشد و از ما انتظار میرفت که او امر پدر و مادر را صد درصد گوش کنیم و بهترین تعریف از ما این بود که « مطیع و حرف شنو هستیم » . البته احترام پدر و مادر لازم و پسندیده است ، ولی اطفال آینده باید طوری تربیت شوند که شخصیت مستقل داشته باشند ، حس ابتکار شان تشویق شود ؛ و سال

بسال بیشتر قائم بنفس بار آیند : نه اینكه چشم و گوش بسته و مطیع و حرف شنو در میدان اجتماع گذاشته شوند و انتظار رود كه يك دفعه معجزه آسا خون را اداره كنند . اصل اینكه اشكال عمده محصلین ما: خارج نتیجه همین نوع طرز رشد در فامیل است . بی بند و باری جوانان در خارج از کشور كه اغلب مورد شكایت جراید است برای آنست كه جوانان ما تا همین بلوغ باز آورده میشوند كه تماماً متكى بفا میل باشند و بعد باید بدون راهما و سر پرست در يك محیط صد در صد نا مأ نوس خارجی خود ر اداره كنند .

نقش مدرسه در پرورش شخصیت اهمیت حیاتی دارد . تدریس ریاضیات لازم و اجباریست - در دروس ریاضی مطلب را باید بدون حب و بغض ثابت كرد ؛ فرضیات باید قانع كننده و نحوه اثبات منطقی باشد ایجاد این روش فكر در نسل جوان بسیاری از مشكلات و معما های اجتماعی را حل خواهد نمود .

واقعاً تأسف آوراست كه علی رغم هوش و پشتكار ایرانی روح بحث و انتقاد و قضاوتی كه در مدارس قدیمه بود؛ در جوانان امروزی ما پرورش داده نمیشود ، شمار سالات و مقالات و كتبشان را كه میخوانید میبینید فلان قانون ماده ب ماده نقل شده است ولی يك كلمه بحث نشده كه در چه شرایط و مقتضیاتی آن قانون آورده شده؟ آیا بعقیده، نویسنده قانون مزبور كامل و لازم و مفید بوده است یا خیر - و چرا ؟ آیا هنوز هم لازم و مفید است ؛ یا دیگر بدرد نمیخورد ؟ مدرسه باید روح كنجكاوی علمی و ابتكار و شخصیت مستقل را تقویت

و رشد دهد . باید قسمت های تشریحی دزوس فرعی بر استنباط و قضاوت باشد

مثلاً در درس تاریخ نباید از ما بپرسند « جنگ‌های نادر را در هندوستان شرح دهید، بلکه آیا حمله نادر به هندوستان لازم بود؟ چه نایبده و چه ضرری داشت باید از ما سؤال شود که در باره مسائل مختلفه چه فکر میکنیم، و اگر مادر آن موقعیتهای بخصوص بودیم چه میکردیم؟ یا این روش محصل باید در مرحله اول مطالعات لازم را داشته باشد و اهمیت هر نکته تاریخ را درک کند و سپس با اندازه ذوق و سلیقه خود درباره آن قضاوت نماید.

در زندگی باید درباره هر امری که پیش می‌آید مطالعه نمود، قضاوت کرد، تصمیم گرفت؛ و عمل نمود؛ و چه بهتر که در مد رسه نیز این سبک فکر تقویت شود و محصل برای زندگی اجتماعی آماده شود.



قسمتی دیگر از اخلاق و رفتار ما - که بیش از دو قسمت فوق‌الذکر در تحت شرایط مکان و زمان فعلی بوده و اهمیت آنی دارد - زاده تغییر ناگهانی اوضاع اجتماعی ایران است. در نتیجه پیشرفت وسائل حمل و نقل و ارتباطات در ایران، و بین ایران و دنیای متمدنی خارج؛ تحولاتی که در کشورهای دیگر در طی قرون صورت گرفته است در جلو نظر ما ناگهان پدیدار شده و شور و اشتیاق در اکتساب آن شکاف عظیمی در اجتماع ایران ایجاد کرده است.

چهل سال پیش از رادیو و تلویزیون در ایران خبری نبود، هواپیما و اتومبیل برای ما مورد استفاده ای نداشت، بندرت کسی با کتب و نشریات خارجی تماس داشت و حتی بازار مجلات و مطبوعات ایرانی نیز محدود بود. یک ایرانی متوسط شاید هیچوقت از زادگاه خود خارج نشد و از

دنیای خارج بی اطلاع بود؛ سواد خواندن و نوشتن که نداشت طبعاً از دنیای علوم و تحقیقات و عقاید مترقی نیز بی بهره بود.

ایران امروز با آن زمان تفاوت بسیار دارد. کارخانه و راه آهن و هواپیما برای مآتازگی ندارد، تلویزیون مد روز است؛ از بچه‌ها گذشته شو فرهایمان هم انگلیسی بلغور می‌کنند؛ مسافرت بخارج متداول است؛ آخرین اخبار جهان در کوره دهات ایران منعکس میشود؛ جوانان مادر باره مسافرت بکوره مریخ جت و بحث می‌کنند، و جدیدترین مدهای پاریس و رم دو سه هفته بعد در تهران جلوه گری میکند.

باید دانست که سیر تاریخ این نوع تحولات را ایجاد مینماید، و آنچه اهمیت دارد جلو گیری از تحول نیست بلکه استفاده صحیح از آن است. کوشش ما باید در این باشد که بین آداب و رسوم ممالک متمدن آنها را که لازم و مناسب مقتضیات ایران است کسب کنیم و از تقلید کور کورانه سایر جوانب که احتمالاً مضر هم هست بپرهیزیم:

حتی در تشکیلات و سازمانها هم مافقط ظواهر امر را از ممالک راقیه اکتساب می‌کنیم، فرود گاه تهران در زیبایی کم نظیر است؛ محاکم عدلیه انگلستان در مقایسه با کاخ داد گستری ما حکم مخرب و بهای قرون وسطی را دارند؛ تشکیلات و تعداد کارمندان و زارت دارائی ما محققاً از ممالک مشابه کمتر نیست، و مجلس سنای مادر عظمت و جلال بر ما در پارلمانها لبخند میزند. ولی اگر کارمان بگمرك افتاد و صحبت از وصول مالیات و احقاق حق و حکومت پارلمانی شد آنوقت است که حرکت کفه ترازو اهمیت داشته و نتیجه مقایسه جالب توجه خواهد بود.

بیش از همه این شکاف اجتماعی، طور عمودی بین نسل‌های مختلف موجود است. پدران ما دل‌آزوده‌اند که ما را به هزار زحمت بزرگ کرده‌اند و با مخارج سنگین مدرسه فرستاده‌اند، ولی حال فکر و کارمان مطابق میلشان نیست. از طرف دیگر جوانان ناراحتند که والدین اخلاق و رفتارشان را درک نمی‌کنند و انتظارات «ارتجاعی» از آنها دارند. لازم است سیستم‌های تعلیماتی ما بطرفین بیاموزد که همیشه این اختلاف بین دو نسل موجود بوده است و حال که بواسطه سرعت تغییر و تحول این اختلاف فاحش‌تر است باید هر دو طرف کوشش بیشتر کنند تا مطلب را از نقطه نظر دیگری نیز دریابند و والدین بتغییر اوضاع و شرایط متوجه باشند و فرزندان نیز معتقدات و رسوم والدین با احترام رفتار کنند.

یکی دیگر از پایه‌های زندگی فردی و اجتماعی ما که مورد خطر قرار گرفته است تزلزل روح ایمان بین طبقات مختلف جامعه است. با ضعف و از دست دادن ایمان، خلالی در فکر و زندگی جوانان ایجاد میشود: سیستم ایمان و دستور زندگی محو میشود و هر چه و هر چه جای آن را می‌گیرد حس تحقیر آداب و رسوم اجدادی و تعظیم بسنن خارجی و اینکه میخواهیم خود را تجدد طلب جلوه دهیم سبب شده است که گمان کنیم ایمان و خرافات یکی است و چنانکه بی‌اعتنایی و مخالفت با ایمان نشان دهیم مرفقی هستیم. باید بدانیم که مرفقی‌ترین ملل دنیا افکار خرافاتی را کم و بیش از خود طرد کرده‌اند ولی روح ایمان و وجدان و عدالت در بینشان بطرز خلل ناپذیری نفوذ کرده است.

لازم است بما فهماننده شود که بدون ایمان شخص ناراحت و گمراه

است و اجتماعی که افراد آن را اشخاص خود خواه و بی پر نسبیپ تشکیل دهند مساعد برای يك زندگانی خوشبخت و متمدن نیست . ثانیاً لازم است که راهنمایان و معلمین ایمانی مانیز بدون آنکه اصل و حقیقت پیام خود را تغییر دهند ترویج و توسعه آنرا طوری تکمیل کنند که طبقات جوان نیز از نعمت ایمان و اعتقاد با اصول بی بهره نمانند . آشنائی کامل راز راهنمایان ایمانی ما با اصول علوم جدید و عقاید و رسوم ملل مختلف موجب خواهد شد که بتواند مطلب را بهتر جزو بحث کرده و باشکالات و سوالات جوانان بهتر پاسخ گویند .

بطور کلی باید در همهٔ ماحس صبر و تحمل و برد بازی افکار و سلیقه های غیر خودمان تقویت شود . باید بطبقات قدیمی لزوم تحولات اجتماعی را فهماند و به نسل جوان حس ایمان و اتکاء به نفس بیشتری تزریق نمود . در حال حاضر جوانان ما فرد فرد خود را نسبت به مسایله بهتر و برتر میدانند ولی نوعاً در برابر آداب و رسوم بیگانه حالت حقارت و کرنش بخود میگیرند گمان میبرند که اگر از آخرین مد و آداب اروپائی پیروی نکنند حتماً همسایه شان خواهد گفت که قدیمی هستند و مطمئناً سایر متجددین به شان چپ چپ نگاه خواهند کرد . دیگر کار با این ندارند که آداب و رسوم واحد زیادی زادهٔ محیط است و آنچه که برای امر یکا و انگلیس و فرانسه و آلمان خوب است لازم نیست برای ما مناسب باشد .

ما باید اصول لازم را اقتباس کنیم ولی تقلید بی مطالعه نمائیم : بزبان

و آداب خارجی آشنائیم برای اینکه آن و سلیله است برای پیشرفت و

ترقی ؛ ولی گمان نکنیم که صرف پوشیدن لباس کیسه ای و صحبت

کردن بزبان انگلیسی و آشنا بودن با اسم چند ستاره سینما میتوان خود
را تمدن نامید.

* * * * *

در این مرحله حیاتی از تاریخ اجتماعی ایران توسعه فرهنگ بیش از هر
عامل دیگر میتواند به پیشرفت نسل جوان کمک نماید و دولت و رادیو و
وتلوویزیون و مطبوعات در این تحول مسؤلیتی عمده و نقشی اساسی دارند.
اینها واسطه‌ای هستند بین ما و آنچه که تمدن غربی خوانده میشود، اینها
هستند که باید از تجارب دیگران توچین کنند و بما انتقال دهند: انتخاب
کنند که در چه رشته‌هایی ما باید از تمدن غرب پیروی کنیم و در چه قسمتهایی
تقلید کور کورانه زبان آور است. امید است که وزارت فرهنگ مر بیان
ما و رادیو و مطبوعات همواره این مسؤلیت عظیم تاریخی را که بر دوش
دارند بیاد داشته باشند و با حسن انتخاب و راهنمایی صحیح نسلهای آینده
را سپاسگزار خود بدانند.

تهران ۱۳۳۸/۸ - منوچهر آگاه (از مجله آینده)